

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

پایان نامه دکتری (PH.D)

گروه فلسفه تطبیقی

عنوان:

تحلیل و بررسی خیال از نظر

ابن سینا و صدر المتألهین

استاد راهنما:

دکتر احمد احمدی

اساتید مشاور:

دکتر شهرام بازوکی

دکتر احمد عابدی

نگارنده:

زهرا برقی

چکیده

خیال از جمله مفاهیم عام و گسترده‌ای است که در سه حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر تفاوت معنای خیال در هر یک از این حوزه‌ها، مواضع فیلسوفان، به‌ویژه ابن‌سینا و صدرالمتألهین، در مورد آن نیز متفاوت است.

در معرفت‌شناسی، خیال هم مرحله‌ای از مراحل ادراک هم یکی از قوای مدرک که وظیفه آن حفظ و تمثیل محسوسات در زمان غیبت آنهاست، به‌شمار می‌رود. در فلسفه‌های معاصر، نقش معرفتی خیال به‌عنوان واسطه‌ای بین احساس و عقل مغفول مانده است و تنها تخیلات واهی و غیر واقعی به آن نسبت داده می‌شود.

ابن‌سینا در بیشتر مکتوبات خود بر مادی بودن خیال و صورخیالی استدلال کرده است؛ اما از بعضی عبارات وی تجرد مطلق ادراک، حتی ادراک حسی و خیالی استفاده می‌شود. در المباحثات، دلیلی را در قالب یک شبهه بر تجرد صور خیالی ارائه نموده است. به نظر می‌رسد در جمع بین آنها، می‌توان گفت قول به مادی بودن خیال یا بیان دیدگاه ارسطو است، یا قول نخست وی بوده که به تدریج از آن عدول کرده است.

صدرالمتألهین با اعتقاد به این که شکل و مقدار از عوارض جسم و قابل جمع با تجرد مثالی است، براهین متعددی بر تجرد مثالی خیال اقامه کرده است؛ وی هم‌چنین فعل و انفعالات مادی را معادات ادراک - نه خود ادراک - دانسته است.

در مباحث هستی‌شناسی، با این که ابن‌سینا به‌طور مستقیم درباره‌ی عالم خیال سخن نگفته است، اما دلایل وی بر انکار مثل افلاطونی عالم مثال را نیز شامل می‌شود. در مقابل، صدرالمتألهین وجود عالم خیال را برای حفظ پیوستگی فیض از عالم عقل تا عالم طبیعت، لازم می‌داند.

در مباحث انسان‌شناسی، صدرالمتألهین با استفاده از تجرد قوه خیال، مرتبه مثالی نفس و بدن مثالی را اثبات کرده است. این دیدگاه منجر به بروز انقلابی در مباحث معرفت‌نفس گردیده است. اثبات مرتبه مثالی نفس در تبیین بعضی از آموزه‌های دینی و حل بسیاری از مشکلات فلسفی مؤثر افتاده است.

کلیدواژه: خیال، خیال متصل، خیال منفصل، تجردمثالی، جسم، ماده

تقدیر و تشکر

سپاس بیکران پروردگارم را که یاریش این توفیق را حاصل نمود تا در بوستان علم و دانش گامی برداشته، اوراقی چند را به تحریر درآورم.

تقدیر و تشکر فراوان خویش را از استاد فرهیخته و گرانقدر آقای دکتر احمدی، استاد راهنمای این تحقیق، ابراز می‌دارم که همواره با الطاف و ارشادات خویش، این جانب را مدیون خود ساخته‌اند. هم‌چنین از راهنمایی‌های ارزشمند و سودمند اساتید محترم مشاور آقایان دکتر پازوکی و دکتر عابدی کمال تشکر و امتنان را دارم.

شایسته است از همسر و فرزندانم - آقای محمد رضایی، محمدجواد و محمدباقر - که با صبر و بردباری مرا در امر تحصیل و انجام این تحقیق مساعدت و یاری رساندند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. فرصت را مغتنم شمرده از زحمات تمامی مسئولان و کارگزاران دانشگاه قم و مرکز تربیت مدرس به ویژه آقای دکتر ذبیحی قدردانی کرده و توفیق همگان را از خداوند متعال خواستارم.

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	اهمیت و جایگاه خیال.....
۴	ضرورت تحقیق.....
۷	نگاهی به فصول پایان نامه.....
۸	فصل اول: کلیات و مفاهیم.....
۹	۱-۱. تعاریف.....
۹	۱-۱-۱. تعریف ماده.....
۹	۱-۱-۱-۱. ماده در لغت.....
۱۰	۱-۱-۱-۲. ماده در اصطلاح.....
۱۲	۱-۱-۱-۳. تفاوت ماده و موضوع.....
۱۳	۱-۲-۱. تعریف مجرد.....
۱۳	۱-۲-۱-۱. مجرد در لغت.....
۱۴	۱-۲-۱-۲. مجرد در اصطلاح.....
۱۵	۱-۳-۱. تعریف جسم.....
۱۵	۱-۳-۱-۱. جسم در لغت.....
۱۶	۱-۳-۱-۲. جسم در اصطلاح.....
۱۷	تعریف جسم طبیعی.....
۱۷	تعریف جسم تعلیمی.....
۱۸	۱-۳-۱-۳. تلازم جسم و ماده.....
۲۰	۱-۴-۱. زمینه تاریخی بحث تجرد مثالی.....
۲۲	۱-۴-۱-۱. خیال.....
۲۲	۱-۴-۱-۱-۱. خیال در لغت.....
۲۲	۱-۴-۱-۱-۲. خیال در اصطلاح.....
۲۶	۱-۴-۱-۲. تاریخچه بحث خیال.....
۲۶	۱-۴-۱-۲-۱. ادراک خیالی.....
۲۷	۱-۴-۱-۲-۲. عالم خیال.....

۲۸..... ۳-۲-۱. مرتبه خیالی نفس.....

۲۹..... **فصل دوم: معرفت‌شناسی و خیال**.....

۳۳..... ۱-۲. اقسام ادراک.....

۳۴..... ۱-۱-۲. انکار و ابطال استقلال ادراک وهمی.....

۳۷..... ۲-۲. قوای نفس.....

۳۸..... ۱-۲-۲. تعریف قوه خیال یا مصوره.....

۳۹..... ۲-۲-۲. اثبات قوه خیال و تغایر آن با حس مشترک.....

۴۴..... ۳-۲. تجرد خیال.....

۴۵..... ۱-۳-۲. براهین مادی بودن خیال.....

۵۲..... ۲-۳-۲. براهین تجرد خیال.....

۵۲..... ۱-۲-۳-۲. برهان اول: فقدان خواص مادی.....

۵۴..... ۲-۲-۳-۲. برهان دوم: تصور معدومات.....

۵۶..... ۳-۲-۳-۲. برهان سوم: تصور امور متضاد.....

۵۸..... ۴-۲-۳-۲. برهان چهارم: عدم پذیرش قسمت.....

۵۹..... ۵-۲-۳-۲. برهان پنجم: عدم ضعف خیال در پیری و بیماری.....

۶۰..... ۶-۲-۳-۲. برهان ششم: عدم نیاز خیال به ابزار و مکان.....

۶۰..... اشکال اول: ادراک انفعال است نه فعل.....

۶۱..... اشکال دوم: علم نفس به خود علم حضوری است.....

۶۱..... تکمله برهان.....

۶۲..... ۷-۲-۳-۲. برهان هفتم: قوت و ضعف قوی.....

۶۴..... ۸-۲-۳-۲. برهان هشتم: عدم تغییر صور خیالی با کاهش و افزایش اجزاء بدن.....

۶۷..... ۹-۲-۳-۲. خاتمه.....

۶۹..... ۳-۳-۲. تقارن بین دو قول.....

۷۲..... ۴-۳-۲. مبدع و مبتکر نظریه تجرد خیال.....

۷۳..... ۵-۳-۲. سه اشکال بر تجرد خیال و پاسخ آنها.....

۷۳..... ۱-۵-۳-۲. اشکال اول.....

۷۳..... ۲-۵-۳-۲. اشکال دوم.....

۲-۳-۵-۲. اشکال سوم ۷۶

۲-۴. تفاوت قوه عاقله با قوه خیال ۷۷

فصل سوم: خیال و هستی شناسی «عالم خیال» ۷۹

۳-۱. واسطه بودن عالم خیال ۸۲

۳-۲. مراتب هستی و عوالم وجود ۸۴

۳-۳. جایگاه خیال در عوالم وجود ۸۸

۳-۴. دلایل وجود عالم خیال ۹۰

۳-۴-۱. دلایل نقلی ۹۰

۳-۴-۱-۱. آیات ۹۰

۳-۴-۱-۲. روایات ۹۱

۳-۴-۲. دلایل عرفانی ۹۲

۳-۴-۳. دلایل فلسفی ۹۳

۳-۴-۳-۱. وجود صور خیالی ۹۳

۳-۴-۳-۲. قاعده امکان اشرف ۹۷

۳-۴-۳-۳. لزوم ارتباط و تناسب ۹۹

۳-۴-۳-۴. علم قدری خداوند ۱۰۰

۳-۴-۳-۵. ادراکات سه گانه ۱۰۱

۳-۵. دلایل منکرین عالم مثال ۱۰۲

۳-۶. شناخت حقایق مثالی ۱۰۶

۳-۷. ویژگی های عالم خیال ۱۰۹

۳-۸. عالم مثال و مثل افلاطونی ۱۱۳

فصل چهارم: خیال و انسان شناسی «مرتبه مثالی نفس» ۱۱۷

۴-۱. حقیقت انسان در قرآن ۱۲۱

۴-۱-۱. جمع بین آیات ۱۲۲

۴-۲. معانی خیال در انسان شناسی ۱۲۴

۴-۳. مراتب وجودی انسان ۱۲۵

۱۲۶ ۱-۳-۴ مراتب وجودی انسان در دنیا
۱۲۷ ۲-۳-۴ علوم سه گانه ناظر به مراتب انسانی
۱۲۹ ۴-۴ سیر صعودی انسان
۱۲۹ ۱-۴-۴ نقش اعمال در کمال انسانی
۱۳۰ ۲-۴-۴ وحدت «رهرو» و «راه»
۱۳۱ ۳-۴-۴ اشتداد وجودی انسان
۱۳۴ ۵-۴ ارتباط مراتب نفس
۱۳۶ ۶-۴ بدن مثالی
۱۳۸ ۷-۴ براهین مرتبه مثالی نفس
۱۴۱ ۸-۴ عملکرد مرتبه خیالی
۱۴۳ ۹-۴ ویژگی‌های مرتبه خیالی نفس
۱۴۶ ۱۰-۴ ارتباط خیال متصل با خیال منفصل
۱۴۸ ۱۱-۴ تفاوت مثال نزولی و مثال صعودی
۱۵۱ ۱۲-۴ مرتبه برزخی نفس و معاد
۱۵۳ ۱۳-۴ تمثل و تجسم اعمال در نفس انسانی

فصل پنجم: آثار و نتایج خیال و تجرد آن ۱۵۵

۱۵۷ ۱-۵ کارکردهای خیال
۱۵۷ ۱-۱-۵ تجسیم و ترویج
۱۵۸ ۲-۱-۵ تبدیل علم حضوری به علم حصولی
۱۶۰ ۳-۱-۵ نقش خیال در اختیار
۱۶۰ ۴-۱-۵ خیال، علت گرایش به خرافات
۱۶۱ ۵-۱-۵ خیال و هنر
۱۶۲ ۶-۱-۵ تأثیر خیال در زندگی جسمانی و روحانی
۱۶۳ ۷-۱-۵ نقش خیال در تهذیب نفس
۱۶۴ ۸-۱-۵ نقش خیال در تقرب به خداوند
۱۶۵ ۲-۵ عوامل بازدارنده و تقویت کننده خیال
۱۶۸ ۳-۵ آثار و نتایج تجرد خیال و مرتبه مثالی نفس

۱۶۸	۱-۳-۵	خداشناسی
۱۷۱	۲-۳-۵	معاد و زندگی پس از مرگ
۱۷۱	۱-۲-۳-۵	معاد جسمانی
۱۷۴	۲-۲-۳-۵	حشر نفوس ناقصه
۱۷۶	۳-۲-۳-۵	معاد روحانی برتر از معاد جسمانی
۱۷۷	۴-۲-۳-۵	آیات و روایات
۱۷۸	۵-۲-۳-۵	عالم برزخ و لذت و رنج جسمانی آن
۱۸۰	۳-۳-۵	وحی و نبوت
۱۸۰	۱-۳-۳-۵	دیدگاه صدر المتألهین
۱۸۳	۲-۳-۳-۵	دیدگاه ابن سینا
۱۸۵	۳-۳-۳-۵	کلام و تکلم الهی
۱۸۸	۴-۳-۳-۵	جمع بندی
۱۸۸	۵-۳-۳-۵	«تمثل»
۱۸۹	۶-۳-۳-۵	اشکال و پاسخ
۱۹۱	۴-۳-۵	ارائه تفسیر روشن از آیات
۱۹۱	۱-۴-۳-۵	حیات شهیدان
۱۹۲	۲-۴-۳-۵	تکلم مردگان
۱۹۲	۳-۴-۳-۵	تفاوت عصای موسی و سحر ساحران
۱۹۳	۴-۴-۳-۵	داستان بلقیس ملکه سبا
۱۹۵	۵-۳-۵	عالم ذر
۱۹۷	۶-۳-۵	تجربه‌های دینی و مکاشفات عرفانی
۱۹۷	۱-۶-۳-۵	ماهیت و حقیقت تجربه دینی
۱۹۹	۲-۶-۳-۵	اقسام مکاشفه
۲۰۲	۷-۳-۵	معراج
۲۰۵	۸-۳-۵	خواب و رؤیا
۲۰۵	۱-۸-۳-۵	قوه خیال و رؤیا
۲۰۶	۲-۸-۳-۵	رؤیاهای صادقانه
۲۰۷	۳-۸-۳-۵	اتصال به عوالم بالا

۲۰۹	۴-۸-۳-۵. اقسام رؤیا
۲۱۱	۹-۳-۵. تجرد نفوس حیوانی
۲۱۴	نتیجه
۲۱۵	ارزش معرفتی خیال
۲۱۶	تقویت خیال
۲۱۷	خیال یا ادراک میانی
۲۱۸	تجرد مثالی
۲۲۰	عالم خیال (مثال)
۲۲۱	مرتبۀ مثالی نفس
۲۲۲	عالم برزخ و معاد
۲۲۴	وحی و نبوت
۲۲۵	جمع بندی سخنان ابن سینا
۲۲۶	جمع بندی سخنان صدرا
۲۲۸	پیشنهادها
۲۳۰	منابع و مآخذ

مقدمه

اعتبار هر مکتب فکری - فلسفی در گرو طرز نگرش آن به عالم هستی، انسان و ارتباط این دو با هم است. بعضی از مقولات و مفاهیم از چنان گستردگی و اهمیتی برخوردارند که در تمامی این حوزه‌ها کاربرد دارند. «خیال» یکی از مفاهیم اساسی در سه حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است.

در مباحث معرفت‌شناسی، نقش خیال در حصول معرفت بشری و ارزش معرفتی ادراکات خیالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خیال هم به‌عنوان یکی از قوای مدرک انسان هم مرحله‌ای از مراحل ادراک به‌شمار می‌آید.

در مباحث هستی‌شناسی، نحوه اتصال موجودات به واجب‌الوجود، چگونگی وصول فیض از واجب به ممکنات، کیفیت ارتباط بین عالم مجرد و عالم ماده از سؤالات اساسی است و عالم خیال در تبیین پاسخ این سؤالات نقش اساسی را ایفا می‌کند.

مباحث انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی، بسیار گسترده و دارای ابعاد مختلف است که با رویکردهای متفاوت قابل بحث و بررسی است. یکی از مباحث اساسی و دارای آثار کاربردی فراوان، شناخت انسان کامل و نحوه وصول وی به کمال است. نقش و جایگاه خیال در این بحث چنان که بایسته است، مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. اگر تکامل را اتصال به عوالم بالا بدانیم، از مهمترین مباحث در این زمینه، نقش خیال در ایجاد این اتصال و تاثیر آن بر رشد و تعالی انسان خواهد بود که مباحث دقیق فلسفی را در پی خواهد داشت. چنان‌که مرتبه مثالی (خیالی) نفس، یکی از مراتب و مقامات نفس در مراحل سیر صعودی انسان شمرده شده است.

اهمیت و جایگاه خیال

از دیدگاه فیلسوف و حکیم الهی جهان به دو بخش اصلی، عالم غیب و شهادت، جهان مجرد و دنیای مادی تقسیم می‌شود. عالم مجرد جهانی منزله از ماده و مقدار، نور محض و حیات صرف است. از سوی دیگر، عالم ماده به جهت آن که دارای ماده و مقدار است، سخت محدود و ظلمانی است، سؤال این است که آیا ارتباطی بین این دو عالم هست؟ اگر ارتباطی هست، چگونه است؟ آیا برای این ارتباط توجیه منطقی وجود دارد؟ اگر علت و مبدأ دنیای ماده موجود مجرد تام عقلی است، سنخیت بین علت و معلول چگونه قابل توجیه است؟ اگر واسطه‌ای در کار است، این واسطه چیست؟ ویژگی‌های آن کدام است؟ راه شناخت این واسطه چیست؟

تقسیم انحصاری عالم وجود به دو عالم مجرد محض و ماده صرف، ناشی از غفلت از ارتباط این دو عالم و چگونگی آن است. همین غفلت و عطف توجه تام به دو عالم صرف موجب انحصار قوای مدرکه در دو قوه حس و عقل گردیده است و تعیین اصالت یکی از این دو، از مسایل دیرینه فلسفی به‌شمار می‌رود که بر محور آن نحله‌های فلسفی مختلف قائل به «اصالت حس» یا «اصالت عقل» پدید آمده است. پیروان هر کدام از این دو نظریه، ادله‌ای برای اثبات دیدگاه خود و نقد نظریه مقابل ارائه نموده‌اند.

در قرن هجدهم، کانت به نقد عقل و تفکر بشری پرداخت و اثبات کرد که انسان هرگز نمی‌تواند به مدد حس و عقل به شناخت تمام حقیقت نایل گردد و برای سؤالات اساسی فلسفی خویش پاسخ مناسبی ارائه دهد. هرچند کانت تلاش کرد با اعطای نقش اساسی به هر دو قوه حس و عقل و طرح شاکله‌ها براین مشکل فایق آید؛ اما امروزه کسی تردید ندارد که او نیز از عهده این مهم بر نیامد و نتوانست مشکل شناخت را حل کند و طرح شاکله‌های وی که قرار بود نقش واسطه را ایفا کند، جز بر ابهام و پیچیدگی مسأله نیفزود.

مشکل شناخت و معرفت، تعیین اصالت برای یکی از دو قوه یا تبیین نقش هر کدام نبود، بلکه مشکل بنیادی فلسفه‌ای که شناخت را صرفاً بر حس و عقل مبتنی می‌ساخت، آن بود که برای گذر از حس به عقل و چگونگی انتقال ادراکات حسی به ادراکات عقلی، پل رابط، در اختیار نداشت.

به نظر می‌رسد، تنها راه حل مشکل، طرح مجدد خیال به عنوان واسطه و رابط بین ادراکات حسی و عقلی است و اینکه خیال جایگاه خود را در مباحث معرفت‌شناسی باز یابد.

از زمان ارسطو تا کنون همواره خیال یکی از قوای باطنی شمرده شده است که وظیفه آن حفظ صور محسوسات و تمثیل آنها در زمان غیبت است. ارسطو ادراک صور عقلی را منوط و مشروط به صور خیالی می‌داند و معتقد است هیچ تخیلی بدون احساس و هیچ اعتقادی بدون تخیل حاصل نمی‌شود. شاخه‌های مختلف فلسفه اسلامی - مشاء، اشراق و حکمت متعالیه - نیز بر نقش صور خیالی در تفکر و تعقل تأکید کرده‌اند.

اجتناب‌ناپذیر بودن نقش خیال در مباحث ادراک ما را به حقیقتی دیگر رهنمون می‌سازد که اگر متناظر با ادراک حسی، عالم محسوسات و طبیعت و متناظر با ادراک عقلی، عالم عقول مجرد قرار دارد، پس باید متناظر با ادراک خیالی نیز عالمی وجود داشته باشد که متعلق ادراک خیالی است.

بر اساس اصول و مبانی فلسفی، وجود عالم رابط و واسطه بین دو عالم عقل و طبیعت لازم و ضروری است. این عالم واسطه، همان عالم خیال (مثال) است؛ عالمی که مکاشفات و شهودات عارفان و اشعار شاعران در آن، معنا پیدا می‌کند. کشف و طرح عالم خیال در قوام و بسط فلسفه اسلامی اثری بزرگ داشته و در حل بسیاری از مسائل مؤثر افتاده است.

از سوی دیگر تکامل و عروج معنوی انسان در گرو حرکت و سیر اختیاری او از عالم طبیعت به عوالم برتر و بالاتر است. صعود نفس به عالم دیگر، ملازم با تکامل نفس است. رسیدن به مرتبه تجرد عقلی بدون پیمودن مراتب میانی، ممکن نیست. نمی‌توان از جهان طبیعت مستقیم به جهان نورانی و عقلانی گام نهاد. نفس بعد از ترقی و تکامل معنوی و اتصال به عالم مثال، حقایق آن عالم را درک می‌کند. بعد از رجوع به عالم خود، در وی صور مثالی حاصل می‌شود که از کمالات معنوی حکایت می‌کند.

هر چند اهمیت و جایگاه خیال نیازمند توضیح و تفصیل بیشتری است، اما به نظر می‌رسد همین مختصر تا حدودی نشانگر گستردگی و اهمیت بحث خیال باشد. بحث از خیال و مثال از چنان

اهمیتی برخوردار است که ابن‌فناری آن را اصل علم تحقیق دانسته و توفیق و هماهنگی بین شرع و عقل را منوط به آن می‌داند.^۱

ابن‌عربی نیز در اهمیت بحث خیال تا آنجا پیش رفته که می‌گوید: «کسانی که نقش خیال را نفهمیده‌اند، هیچ چیز نفهمیده‌اند.»^۲

ضرورت تحقیق

نقش و جایگاه خیال، ضرورت بحث و تحقیق درباره آن را در هر سه حوزه معرفتی روشن می‌سازد.

از آنجا که خیال در هر سه حوزه حالت میانی و واسطه را دارد، شناخت دقیق آن در شناخت دو طرف مؤثر بوده و حتی می‌توان گفت شناخت کامل و جامع دو طرف (ادراکات حسی و عقلی، عالم مادی و طبیعی و عالم مجردات و عقول و مراتب وجودی انسان) منوط به شناخت خیال است؛ از این رو، لازم است تحقیق دقیق و گسترده‌ای درباره خیال انجام شود. موضوعی با این گستردگی و دارای این درجه از اهمیت، می‌طلبد که کتاب‌های متعددی درباره آن نوشته شود؛ اما نه تنها کتاب مستقلی در این رابطه تدوین نشده است، بلکه در کتاب‌های فلسفی، فصل خاصی نیز بدان اختصاص نیافته است.

در میان دانشمندان اسلامی، اهل عرفان به خیال توجه فراوان کرده‌اند. ابن‌عربی و غزالی حتی از مجرد خیال بحث کرده‌اند. اما چنان‌که اقتضای تصوف و عرفان است، بحث‌های ایشان بیشتر جنبه ذوقی داشته و مستند به شهودات بوده و ایشان کمتر درصدد اقامه برهان و رفع اشکالات و شبهات برآمده‌اند.

ابن‌فناری بعد از بحث طولانی و مفصّل درباره خیال (مثال) و اقسام آن می‌نویسد:

۱. محمدبن حمزة فناری، مصباح الانس، تصحیح و تعلیق محمد خواجه‌ای، چاپ دوم، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۲.

۲. الفتوحات المکیه، بیروت، دارصادر، بی‌تا، (دوه چهار جلدی) ج ۲، ص ۳۱۳.

«به‌منظور تاسیس و ایجاد انس برای عقول محجوبان و دفع اوهام لجوجان نیاز میرم و حاجت شدید به طرح و اطاله چنین بحثی احساس شد.»^۱

فروگاهی شأن معرفتی خیال در عصر حاضر و تنزل مدرکات خیالی به امور واهی و غیر واقعی، ضرورت بررسی و تحقیق درباره خیال را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

از آنجا که بررسی اقوال و نظریه‌های تمامی دانشمندان و فیلسوفان در یک رساله نمی‌گنجد، این رساله به تحلیل و بررسی خیال از دیدگاه دو فیلسوف نامدار و صاحب مکتب، یعنی ابن‌سینا و صدرالمتألهین اختصاص یافته است. اختلاف اساسی این دو مکتب بیشتر در مباحث نفس - کیفیت حدوث نفس، ارتباط نفس و بدن، چگونگی اتحاد نفس با قوای ظاهر و باطن - و مباحث ادراک - ماهیت علم و ادراک، مراتب و چگونگی تحصیل صور علمی، اتحاد عاقل و معقول - است. بدیهی است که مباحث نفس و ادراک هر کدام به وجهی با بحث خیال ارتباط دارند. از این رو می‌توان یکی از مسائل جنجال برانگیز و مورد اختلاف این دو فیلسوف بزرگ را، بحث خیال دانست.

ابن‌سینا بر مادی بودن خیال و صور خیالی استدلال کرده و جایگاه آن را قسمتی از مغز معرفی می‌نماید. نظریه ابن‌سینا درباره خیال، مبتنی بر اصول و مبانی فلسفی وی در باب نفس و ادراک است. ناقدین او معتقدند، برخی از این اصول از استحکام لازم برخوردار نبوده و قابل مناقشه است؛ به تبع آن، دیدگاه وی درباره خیال هم با مشکلاتی مواجه است. برای نمونه وقتی از او سؤال می‌شود: با این که نفس انسانی واحد بسیط است، چگونه بعضی قوای او مدرک و بعضی غیر مدرک است؟ پاسخ می‌دهد: این معنا را تحصیل نکرده‌ام.^۲

هم چنین عبارات وی درباره مسائلی مانند ادراک معانی جزئی، مجرد آنها با توجه به انقسام ناپذیری معانی، ادراک حیوانات، مجرد نفس حیوانی، معاد جسمانی و حشر نفوس ناقص، مبهم، مجمل و همراه با نوعی تردید است.

۱. مصباح الانس، پیشین، ص ۴۲۲.

۲. ابن‌سینا حسین بن عبدالله، المباحثات، تحقیق و تعلیق محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱-۲۲۰.

آیا این تردیدها و اعتراف به عدم دستیابی به پاسخ اشکال، می‌تواند بیان‌گر آن باشد که ابن‌سینا، خود به نقاط ضعف نظریه خویش واقف بوده است؟ در این صورت، اشارات وی در موقعیت‌های مناسب به نظریات مقابل را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ آیا آنها بر عدول از نظریات سابق دلالت دارد؟ یا آن که وی در صدد آماده سازی ذهن مخاطب بوده تا خود با دقت و کاوش در علوم به حقیقت امر نایل گردد؟ نظریه نهایی ابن‌سینا دربارهٔ خیال و ادراک چیست؟

صدرالمآلهین با توجه کامل به آراء پیشینیان و کاستی‌های آنها، با ارائه نظریات بدیع و نو توانست بسیاری از معضلات و مشکلاتی را که فلسفه مشاء با آن مواجه بود، حل کند. وی با تأسی به اهل عرفان به تأمل و دقت در خیال پرداخت و براهین متعددی بر تجرد قوه خیال و صور خیالی اقامه کرد. فهم دقیق تجرد مثالی قوه خیال، جز با درک اصول و مبانی حکمت متعالیه ممکن نیست. بسیاری از این اصول از ابداعات صدرالمآلهین به‌شمار می‌رود؛ به‌عنوان نمونه می‌توان از اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، از مقوله وجود بودن علم و ادراک، اتحاد عاقل و معقول، حصول ادراک به ابداع و انشاء نام برد.

در حکمت متعالیه خیال، عنصری اصلی و سازنده در معرفت بشری است که متکفل ادراک امور واقعی و حقیقی در عالم خیال است. در نظام معرفت‌شناسی حکمت متعالیه سه مرتبه ادراک ناظر به سه عالم وجودی - طبیعت، مثال و عقل - است و هر مرتبه ادراک به یک عالم خاص اختصاص دارد. صدرا مقامات و درجات نفس را نیز متناظر با عوالم وجود ترسیم کرده و برای نفس سه مرتبه طبیعی، خیالی، عقلی قائل شده است. از راه تجرد قوه خیال، مرتبه مثالی نفس را اثبات و به ویژگی‌های آن در بخش‌های مختلف اشاره کرده است.

ناقدین صدرا دلایل وی بر تجرد خیال را ناکافی دانسته و داشتن اوصاف و ویژگی‌های مادی را ناقص ادله تجرد می‌دانند. ایشان معتقدند حتی با فرض تمام بودن ادله، براین بحث ثمره و فایده چندانی مترتب نمی‌شود.

از مجموع مطالب مطرح شده، آشکار می‌شود که برای دستیابی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و صدرا دربارهٔ خیال، لازم است خیال در سه حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مورد بحث و توجه جدی قرار گیرد.

نگاهی به فصول پایان نامه

مطالب رساله در پنج فصل ارائه شده است:

در فصل اول، نخست مفاهیم چهار واژه کلیدی ماده، مجرد، جسم و خیال مورد بررسی قرار گرفته و ریشه، معانی لغوی و اصطلاحی آنها بیان شده است؛ سپس تاریخچه مختصری از مبحث خیال ذکر گردیده است.

فصل دوم، به خیال در معرفت‌شناسی اختصاص یافته و نقش خیال در حصول معرفت و ادراک بشری مطرح و ادله تجرد یا مادی بودن قوه خیال مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در پایان سعی شده با جمع‌بندی سخنان ابن‌سینا تقریبی بین دو قول ایجاد گردد.

در فصل سوم، از عالم خیال به عنوان عالمی واسطه و رابط بین عالم عقول و عالم طبیعت سخن رفته است. علاوه بر اثبات آن، براهین منکرین مطرح و ابطال گردیده و آثار و ویژگی‌های عالم خیال و حقایق و موجودات متعلق به آن بیان گردیده است.

در فصل چهارم، مراتب و درجات سیر تکامل معنوی انسان طرح و به سه مرتبه کلی حسی، مثالی و عقلی تقسیم گردیده و مرتبه خیالی (مثالی، برزخی) که صدرا آن را با استفاده از تجرد خیال اثبات کرده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. صعود به مرتبه مثالی و عقلی نه به معنای ادراک مفاهیم ماهوی و کلی، چنان‌که کلمات فیلسوفان مشاء ناظر به آن است، بلکه به معنای درک و نیل به حقایق مجرد عالم مثال و عقول است.

در فصل پنجم، آثار و نتایج تجرد مثالی خیال و عوامل بازدارنده و مانع خیال، با تأکید بر آراء ابن‌سینا و صدرا، توضیح داده شده است. نقش تجرد خیال در مباحثی نظیر خداشناسی (در بحث تنزیه و تشبیه صفات الهی)، معاد (عالم قبر و برزخ، حشر نفوس ناقص، معاد جسمانی)، بعضی مراتب وحی و نبوت، معراج، الهامات و مکاشفات، تجربه‌های دینی، رؤیاهای صادق، تجرد نفوس حیوانی در این فصل بیان شده است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

از دیرباز در میان دانشمندان متداول بوده که در آغاز هر علمی، اموری را که طالب آن علم لازم است بداند، با عنوان «رؤوس ثمانیه» بیان می‌کردند، تا فراگیر علم با شناخت و بصیرت در آن علم گام نهد. به مرور زمان این امور به سه تا که از اهمیت بیشتری برخوردار بودند یعنی تعریف علم، بیان موضوع، فایده و هدف از علم کاهش یافت. به همین منظور - قدم نگذاشتن در تاریکی - در این فصل، نخست تعریف واژه‌های کلیدی و معانی اصطلاحی آنها مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، سپس تاریخچه مختصری از بحث خیال بیان خواهد شد.

۱-۱. تعاریف

پیش از ورود به بحث، جهت تبیین موضوع و تحریر محل نزاع، لازم است واژه‌ها و اصطلاحاتی همانند ماده، جسم، مجرد، خیال تعریف شوند. برای دقت در تعریف‌های اصطلاحی تلاش شده است علاوه بر کاوش در فرهنگ نامه‌ها، متون اصلی فلسفی - به ویژه تألیفات صدرا و ابن سینا - مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

۱-۱-۱. تعریف ماده

۱-۱-۱-۱. ماده در لغت

ماده از کلمهٔ مَدَّ گرفته شده و با امتداد هم ریشه است.

ماده، هر چیزی را گویند که یاری رسان دیگری باشد. همچنین اصول و عناصر تشکیل دهندهٔ

شیء را ماده گویند، حسی باشد یا معنوی؛ مانند ماده ساختمان، ماده معرفت و مادهٔ بحث.^۱

۱. ر.ک. جمیل صلیبا، المعجم الفلسفی، بیروت، الشركة العالمية للكتاب، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۰۶.

در معجم‌ها و کتاب‌های لغت معانی متعددی برای ماده ذکر شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

جوهری می‌نویسد: «المادة: الزيادة المتصلة، المدّ: السيل، مدّ النهار: ارتفاعه، الاستمداد: طلب المدد»^۱.

در منتهی الارب نیز همین معانی آمده است:

«ماده: افزونی پیوسته، مدّ: برآمدن روز و سیاهی گرفتن از دوات، تمدید: کشیدن»^۲

راغب نیز می‌نویسد: «اصل المد الجر و منه المدة للوقت الممتد»^۳

در فرهنگ‌های دیگر نیز همین مضامین یا نزدیک به آنها ذکر شده است که جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود.

۱-۱-۱-۲. ماده در اصطلاح

ماده در فیزیک، در مقابل انرژی به کار می‌رود و به موجودی اطلاق می‌شود که در حال سکون دارای جرم باشد اما چنان که خواهد آمد ماده در فلسفه بیشتر در مقابل صورت استعمال شده است. بنابراین، ماده در فیزیک همان مجموع ماده و صورت فلسفی است که در فلسفه جسم طبیعی نامیده می‌شود.

در معجم فلسفی شش معنا برای ماده در نزد فیلسوفان ذکر شده است:

۱- جسم طبیعی

۲- ماده در مقابل صورت، به معنای هیولی (در اصطلاح ارسطو و حکمای مدرسی)

۳- طبیعت خارج از عقل و ذهن (در نزد دکارت)

۴- ماده به معنای داده‌های حسی در مقابل قالب‌های ذهنی (در نزد کانت)

۱. الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج ۲، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق، ص ۵۳۷.

۲. عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی‌پور، منتهی الارب فی لغة العرب (دو جلدی)، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ج ۲، [بی‌تا]، ص ۱۱۷۶.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۳ق، ص ۴۸۴.